

بِسْمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الموجز دانشگاهی

[مختصر کتاب الموجز فی اصول الفقه]

[آیت الله جعفر سبحانی تبریزی]



تدوین:

گروه علمی موسسه آموزش عالی آزاد چتر دانش

انتشارات چتر دانش

۱۳۹۳

عنوان قراردادی	: الموجز فی اصول الفقه. فارسی. برگزیده. شرح
عنوان و نام پدیدآور	: الموجز دانشگاهی (مختصر کتاب الموجز فی اصول الفقه) (آیت الله جعفر سبحانی تبریزی) // تدوین گروه علمی موسسه آموزش عالی آزاد چتر دانش.
مشخصات نشر	: تهران: چتر دانش، ۱۳۹۳.
مشخصات ظاهری	: ۱۰۹ ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۷۳۱۶-۲۷-۶
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
یادداشت	: کتاب حاضر خلاصه کتاب "الموجز فی اصول الفقه" تألیف جعفر سبحانی تبریزی است.
موضوع	: سبحانی تبریزی، جعفر، ۱۳۰۸- . الموجز فی اصول الفقه-- نقد و تفسیر
موضوع	: اصول فقه شیعه
موضوع	: اصول فقه شیعه -- راهنمای آموزشی (عالی)
شناسه افزوده	: سبحانی تبریزی، جعفر، ۱۳۰۸- . الموجز فی اصول الفقه. برگزیده. شرح
شناسه افزوده	: موسسه آموزش عالی آزاد چتر دانش
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۳ ۴۲۳۷ ۸۰۴۲م/س/۱۵۹/۸ BP
رده بندی دیویی	: ۲۹۷/۳۱۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۵۴۸۹۳۳

نام کتاب	: الموجز دانشگاهی (مختصر کتاب الموجز فی اصول الفقه) آیت الله جعفر سبحانی تبریزی
ناشر	: چتر دانش
تدوین	: گروه علمی موسسه آموزش عالی آزاد چتر دانش
نوبت و سال چاپ	: اول - ۱۳۹۳
لیتوگرافی	: اپل
چاپ و صحافی	: اپل
شمارگان	: ۱۰۰۰
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۷۳۱۶-۲۷-۶
قیمت	: ۷۰۰۰۰ تومان

مرکز پخش: تهران - خیابان انقلاب - خیابان ۱۲ فروردین - کوچه نوروز - پلاک ۱۳

تلفن مرکز پخش: ۶۶۴۷۸۹۱۵ - تلفن فروشگاه کتاب: ۶۶۴۸۹۰۵۹

پست الکترونیک: nashr.chatr@gmail.com

کلیه حقوق برای مؤلف و ناشر محفوظ است.

فهرست

۱	کلیات
۸	تعریف علم اصول فقه
۹	دلیل شرعی
۱۰	وضع
۱۸	صحیح و اعم
۲۰	مشتق
۲۲	مبحث امر
۲۵	اجزاء و کفایت
۲۷	مقدمه واجب
۳۰	واجبات: انواع واجبات
۳۳	اجتماع امر و نهی در شیء واحد با دو عنوان مختلف
۳۴	امر به شیء پس از امر به آن (امر دوباره به شیء)
۳۵	امر به امر به فعل
۳۸	مباحث نهی
۳۹	نسخ وجوب
۳۹	اقتضا کردن امر به شیء نهی از ضد آن
۴۱	منطوق و مفاهیم
۴۲	انواع جملات

عموم و خصوص	۴۸
حقیقت و مجاز بودن عام پس از تخصیص	۵۰
انواع اراده استعمالی	۵۱
حجیت عام تخصیص خورده در مابقی	۵۲
تمسک به عام قبل از فحص از مخصص	۵۳
تخصیص عام با مفهوم	۵۳
تخصیص کتاب [= عام قرآنی] با خبر واحد	۵۴
آمدن استثنا پس از جملات متعدد	۵۵
نسخ و تخصیص	۵۶
تخصیص	۵۷
مبحث مطلق و مقید	۵۷
مجمل و مبین	۶۲
نمونه سوالات اصول فقه - از صفحه ۱ الی ۹۵ کتاب آیت الله سبحانی	۶۴
پاسخنامه	۷۱
نمونه سوالات اصول فقه - مبحث امر از صفحه ۹۵ الی ۱۹۷	۷۱
پاسخنامه	۸۲
نمونه سوالات اصول فقه - مبحث نهی از صفحه ۲۰۱ الی ۲۴۳	۸۲
پاسخنامه سوالات مبحث نهی از صفحه ۲۰۱ الی ۲۴۳	۸۵
نمونه سوالات اصول فقه - بخش مفاهیم از صفحه ۲۴۷ الی ۳۲۰	۸۶
پاسخنامه سوالات مبحث مفاهیم از صفحه ۲۴۷ الی صفحه ۳۲۰	۹۰
سوالات اصول فقه - مقصد چهارم مبحث عام و خاص	۹۰
پاسخنامه مبحث عام و خاص	۹۵

- ۹۶..... نمونه سوالات اصول فقه - مقصد پنجم - مطلق و مقید - مجمل و مبین
- ۹۹..... پاسخنامه بخش مجمل و مبین - مطلق و مقید
- ۹۹..... نمونه سوالات اصول فقه کارشناسی ارشد فراگیر پیام نور دی ماه ۹۰
- ۱۰۲..... نمونه سوالات اصول فقه کارشناسی ارشد فراگیر پیام نور آذر ماه ۹۱
- ۱۰۵..... نمونه سوالات اصول فقه کارشناسی ارشد فراگیر پیام نور آذر ماه ۹۲
- ۱۰۹..... پاسخنامه سوالات سالهای ۹۰، ۹۱، ۹۲ کارشناسی ارشد رشته حقوق خصوصی

مقدمه

کتاب الموجز فی اصول الفقه آیه الله سبحانی که توسط اساتید حوزه ترجمه شده است به علت ترجمه کتاب بدون نظر به تسهیل آموزش آن اساساً کتاب موصوف برای آموزش بسیار ثقیل بوده و نیازمند آسان‌سازی مطالب، دسته‌بندی مباحث و بیان ساده موضوعات می‌باشد که در کتاب حاضر سعی شده است بدون دخل و تصرف در مفاهیم علمی کتاب فقط از باب آسان‌سازی و نیز تأکید بر مباحث مهم کتاب این امر مهم صورت گیرد. ضمن اینکه کلیه کتابهای تلخیص از جمله این کتاب بدون مطالعه کتاب و منبع اصلی نارسا بوده فلذا توصیه می‌شود که دانشجویان عزیز قبل از مراجعه به آسان‌ساز و تلخیص حاضر ابتدا نسبت به مطالعه کتاب ترجمه شده اصلی اقدام و سپس در راستای مدیریت زمان، نکته‌گزینی و تست‌یابی مطالب به این کتاب مراجعه نمایند. ضمن اینکه در پایان هر فصل از کتاب تست‌های تالیفی نیز بدان مزید شده است. در پایان از زحمات و تلاشها و همکاری مدیریت و کارکنان دلسوز موسسه آموزش عالی آزاد چتردانش تقدیر و تشکر می‌نمایم.

مسلم یعقوبی

خرداد ماه ۱۳۹۳

سخن ناشر

رشته حقوق با تمام شاخه‌ها و گرایش‌هایش به عنوان یکی از پرطرفدارترین رشته‌های دانشگاهی کشور، گروه زیادی از دانشجویان علوم انسانی را به خود جلب نموده است. دانشجویانی که پس از تحصیل، وارد عرصه خدمت شده و در مناصب و جایگاه‌های گوناگون به ایفای وظیفه مشغول می‌شوند. منابعی که در دانشکده‌های حقوق، مبنای کار قرار گرفته و تحصیل دانشجویان بر مدار آن‌ها قرار دارد، در واقع مجموعه کتاب‌ها و جزوه‌هایی هستند که طی سالیان متمادی کمتر تغییر یافته و از صورتی به صورت دیگر تبدیل پیدا کرده‌اند. این در حالی است که نیاز مبرم دانش پژوهان به مجموعه‌های پربار و سودمند، امری غیر قابل انکار است. به این ترتیب ضرورت تدوین کتب غنی و ارزشمند برای رفع نیازهای علمی دانشجویان این رشته و نیز رشته‌های قریب به حقوق، باید بیش از گذشته مورد توجه قرار گیرد. کتاب‌هایی که از یک سو، روزآمدی و از سوی دیگر، تناسب با نیاز دانش پژوهان در آن‌ها، مورد توجه و لحاظ ناشر و نویسنده، قرار گرفته باشد. مؤسسه آموزش عالی آزاد چتر دانش به عنوان مجموعه‌ای پیشگام در امر نشر کتب آموزشی روزآمد و غنی، توانسته است گام‌های موثری در همراهی با دانشجویان رشته حقوق بردارد. این مؤسسه افتخار دارد که با بهره‌مندی از تجربیات فراوان خود و با رصد دقیق نیازهای علمی دانشجویان، اقدام به تولید آثاری نماید که مهم‌ترین دستاورد آن‌ها، تسهیل آموزش و تسریع یادگیری باشد. انتشارات چتر دانش امیدوار است که در این مسیر بتواند با ارائه خدمات درخشان، شایستگی‌های خود را به اثبات رساند.

فرزاد دانشور

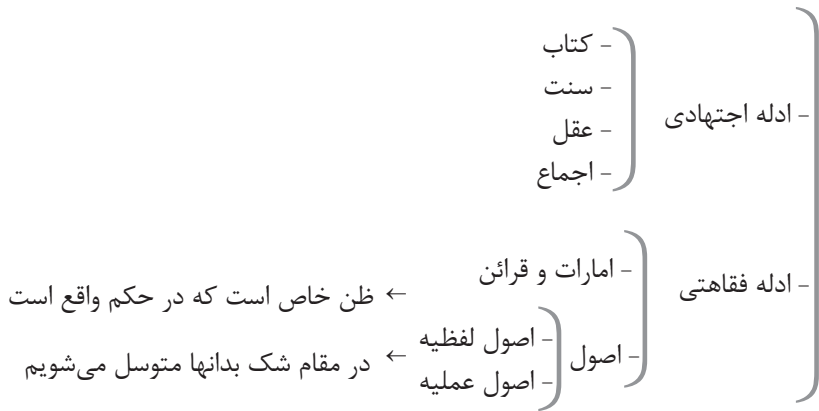
مدیر مسئول انتشارات چتر دانش

اصول عملیه: به اصولی گویند که در نبود دلیل نقلی (کتاب و سنت) و دلیل عقلی (روایات و احادیث) یعنی در حالت شک (۵۰-۵۰) در حکم شرعی ما را از سرگردانی نجات داده و وظیفه عملی و فعلی مکلف را روشن می‌کند.

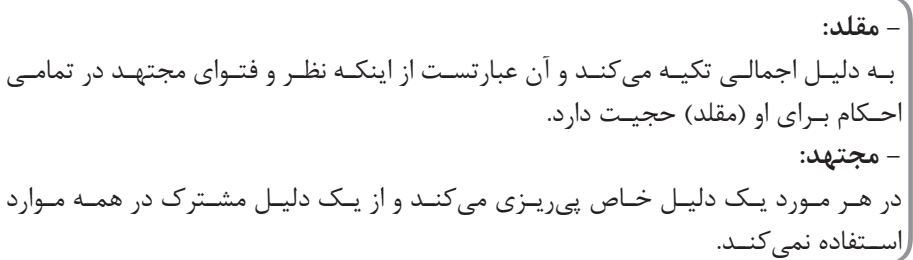
تعریف علم فقه:

عبارتست از علم به احکام شرعی فرعی از روی دلایل تفصیلی آن احکام.

ادله تفصیلی دو دسته هستند عبارتند از:



تفاوت مقلد و مجتهد:



تعریف علم اصول فقه:

علمی است که در آن از قواعدی بحث می‌شود که به کمک این قواعد به استنباط احکام شرعیه می‌پردازیم البته بر اساس دلیلی که داریم که یا دلیل عقلی است یا دلیل شرعی.

علم اصول از مقدمات علم فقه است. قواعد علم اصول به ما کیفیت و چگونگی اقامه دلیل بر حکم شرعی را می‌آموزاند.

موضوع علم اصول:

هر چیزی که بتواند ما را از طریق دلایل به احکام شرعی برساند و در طریق استنباط حکم شرعی واقع شود و هر چیزی که در علم فقه بتواند مورد احتجاج قرار گرفته و حجت باشد.

نکته: هر قاعده علمی نمی‌تواند در طریق استنباط قرار گرفته و مورد احتجاج واقع شود مثال مسائل علوم تجربی و ریاضی چنین نیستند.

هدف علم اصول:

توانایی استنباط احکام شرعی از روی دلایل موجود و آگاهی به قواعدی که در این مسیر استنباط ما را یاری می‌کنند.

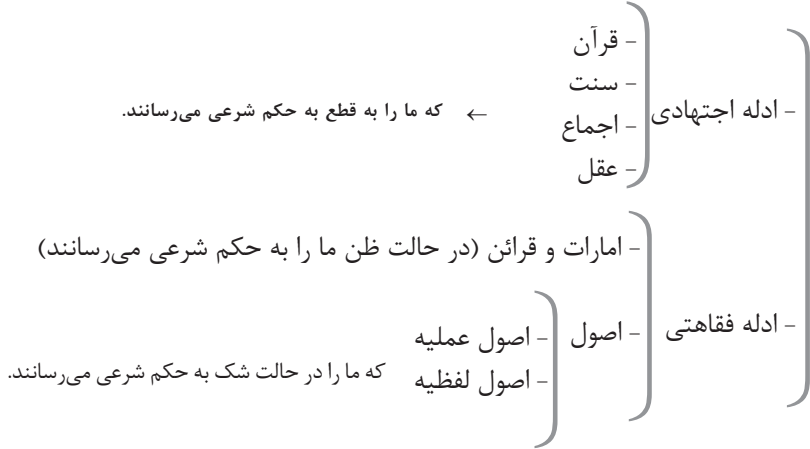
رابطه علم اصول با علم فقه همانند علم منطق با علم فلسفه است.

منطق شیوه صحیح اقامه برهان بر مطلوب را یاد می‌دهد. علم اصول هم شیوه صحیح و نحوه اقامه دلیل بر حکم شرعی را یاد می‌دهد.

دلیل شرعی

- | | | | |
|---|---|---|---|
| <p>بحث از الفاظی که در دلیل شرعی آمده‌اند بر چه دلالت می‌کنند و ظاهر در چه معنایی هستند .</p> | <p>- آیات قرآن کریم
- روایات معصومین (ع)</p> | } | <p>- دلیل شرعی لفظی</p> |
| <p>بحث از دلایل عقلی‌ای که بوسیله آنها می‌خواهیم به استنباط احکام شرعی بپردازیم.</p> | <p>- فعل معصوم (ع)
- سکوت و تقریر معصوم (ع)</p> | } | <p>- دلیل شرعی غیر لفظی (مباحث عقلیه)</p> |

دلایل شرعی دو گونه‌اند



اماره:

دلیل شرعی ظن‌آوری که شارع بدان حجیت داده است. اماره از ادله فقهاتی ← و از ادله تفصیلی است.
 اصول عملیه ← از ادله فقهاتی است که خود از ادله تفصیلی می‌باشد ولی خلاف آن همیشه قابل اثبات است.
 مقصود از مباحث مربوط به اصول عملیه ← مباحث مربوط به حالت نبود دلیل بر حکم شرعی است.

وضع:

دلالت لفظی وضعی: یک دلیل شرعی لفظی که ما را به حکم شرعی می‌رساند مرکب از یک سری الفاظ است. این الفاظ هم بر یک سری از معانی دلالت دارند نوع دلالت این الفاظ ← دلالت لفظی وضعی است.

وضع:

یعنی قرار دادن لفظ در مقابل معنا و تعیین کردن آن برای دلالت بر معنا. → این تعریف فقط وضع تعیینی را شامل می‌شود.

وضع

- تعیینی: ناشی از آن است که شخصی آن را به معنایی اختصاص داده است. که دفعه واحده می‌باشد.
- تعیینی: ناشی از کثرت استعمال لفظ در معناست که تدریجی می‌باشد.

* نکته: واضع یا مشخص است (غالباً در وضع تعیینی چنین است) یا نامشخص (غالباً در وضع تعیینی چنین است).

یک واضع در هنگام وضع دو تصور دارد:

- ۱- تصور لفظی که می‌خواهد آن را برای معنایی وضع کند.
- ۲- تصور معنایی که می‌خواهد آن را برای لفظ وضع کند.

تقسیم وضع بر حسب حالات و شیوه‌های مختلف «تصور معنا» (وضع در مقام تصور)

- ۱- وضع خاص - موضوع له هم خاص: لفظ را برای همین معنای جزئی وضع کرده باشیم - تهران برای پایتخت ایران
- ۲- وضع خاص - موضوع له عام: وضع را برای یک معنای کلی که معنای جزئی یکی از مصادیق آنست وضع کرده باشیم که این وضع غیرممکن است. مثلاً لفظ تهران دلالت بر پایتخت تمام دنیا
- ۳- وضع عام - موضوع له عام: لفظی را برای همین معنای کلی وضع کرده باشند. لفظ انسان برای انسان، لفظ درخت برای درخت، لفظ فلز برای فلز
- ۴- وضع عام - موضوع له خاص: لفظ را برای مصادیق خارجی این معنای کلی وضع کرده‌اند نه برای خود آن نهایت - ابتدا - آن - آن‌ها - بیشتر ضمائر → پرابهام‌ترین الفاظ هستند.

واضع هنگام وضع دو تصور دارد

- تصور لفظ: گاهی در وضع، لفظی شخصی یا کلی تصور می‌شود و بر معنایی دلالت می‌کند.

- ۱- وضع خاص - موضوع له خاص ← وضع شخصی → لفظ زید برای خود زید تهران - پایتخت ایران
- ۲- وضع خاص - موضوع له عام ← ناشدنی و غیرممکن است.
- ۳- وضع عام - موضوع له عام ← وضع نوعی ← مثل ضَرْب → برای شخص در زمان گذشته
- ۴- وضع عام - موضوع له خاص: مثل ادوات اشارات: آنجا، این، او

وضع در «فاعل (ناصر)، مفعول (منصور)، مفعال یا فعیل (نصیر) و...» همگی وضع نوعی (موضوع کلی - موضوع له کلی) می باشد.

اقسام دلالت به سبب وضع بر معانی

- تصویری: یعنی ذهن انسان با صرف شنیدن لفظ به معنا انتقال پیدا کند گرچه آن معنا مقصود گوینده هم نباشد. در واقع اصلا در عالم خارج وجود ندارد. مثل گوینده رادیو در فصل زمستان داستانی را از گرمای تابستان بیان کند که مخاطب بلافاصله به تابستان فکر می کند. دلالت تصویری از راه علم شنونده به لغت و به معنای لفظ حاصل می شود.

- تصدیقی: لفظ دلالت کند بر اینکه معنای به ذهن آمده مقصود و مراد متکلم بوده است. در عالم واقع هم واقعیت دارد مثل ← در زمستان وقتی به خانه رسیدیم می گویند برف را از لباس بتکان.

شرایط دلالت تصدیقی

- ۱- گوینده عالم به لغتی که گفته و به معنایش آشنا باشد.
- ۲- گوینده در مقام بیان باشد. هوشیار باشد خواب نباشد ساهی نباشد.
- ۳- استعمال این لفظ در اراده جدی باشد و گوینده شوخی نکرده باشد و از قرائن فهمیده می شود.
- ۴- گوینده قرینه ای مخالف در بیان خود نیاورد مثلا بگوید: چقدر سرد است دستمال داری عرقمو پاک کنم.

دلالت الفاظ در دلیل شرعی لفظی ناشی از ← وضع است. لذا وضع ← این صلاحیت را به لفظ می دهد که بر معنای حقیقی دلالت کند.

صورت های لفظ

- حقیقت: اگر لفظی دلالت در معنای حقیقی دارد، هیچ ادعایی وجود ندارد. مثل بکار بردن «اسد» برای حیوان مفترس (درنده)

- مجاز: اگر لفظی در غیر از معنای حقیقی خود (غیر موضوع له) به تناسب و علاقه به کار رود اصطلاحا ظهور در معنای مجازی دارد.

در مجاز به شرط یک ارتباط خاص (→ همیشه ادعا وجود دارد. در صورت علاقه یا علاقه مشابهت است که مجاز = استعاره نامیده می‌شود یا علاقه غیرمشابهت است که مجاز مرسل نامیده می‌شود.

مثال استعاره:

یعنی علاقه مشابهت ← «اسد» برای «رجل شجاع»

مثال مرسل:

بین علاقه غیرمشابهت ← استعمال «عین» و «رقبه» و اراده انسان → استعمال جزء و اراده کل

اگر هدف گوینده ←

- تنها فهماندن معنای حقیقی باشد ← استعمال حقیقی است.
- اگر فهماندن معنای حقیقی مقدمه‌ای برای فهماندن مصداق ادعایی باشد ← استعمال مجازی و نیازمند قرینه است

نشانه‌های حقیقت از مجاز (راههای تشخیص حقیقت از مجاز)

۱- تبادر: انتقال معنا به ذهن از طریق نفس لفظ: سبقت گرفتن یک معنای لفظ از معانی دیگر در ذهن مثلا لفظ «ماه» برای «قمر» → حقیقت است.

۲- صحت حمل و عدم صحت سلب:

- صحت حمل: در معنای حقیقی حمل صحیح است.
- عدم صحت سلب: در معنای حقیقی سلب آن لفظ از معنا صحیح نیست.

۳- اطراد: لفظی در طول زمان بدون انقطاع و کرارا در معنایی واحد به کار رفته باشد. مثلا ماه برای قمر. که خود شامل اطراد و مصداقی و غیر مصداقی است.

۴- تنصیص و تصریح اهل لغت: گردآورندگان و تدوین‌کنندگان فرهنگ‌های لغت عربی یا فارسی به حقیقی یا مجازی بودن معنایی تصریح کنند.

صحت حمل = الفاظ حقیقی برای معنای حقیقی «شیر» ← حیوان درنده است.
→ حمل موضوع بر موضوع له می‌باشد.

صحت سلب = الفاظ حقیقی برای معنای مجازی به کمک قرینه سرباز شجاع ←
شیر است و چنانچه بگوییم سرباز شجاع شیر نیست خلأ ایجاد نمی‌شود. در مجاز
صحت سلب حاصل می‌شود.

– قرینه صارفه: نشانه‌هایی خارج از شی که با معنای لفظ
ارتباط دارد مثلاً ← شیر را داخل یخچال گذاشتی - شیری
در قفس دیدم ← قرینه‌ای که ما را به معنای مجازی یا
حقیقی می‌رساند.

اقسام قرینه در تبادر

– قرینه معینه: نشانه‌هایی از خود شی که با ماهیت معنای
لفظ عجین شده مثلاً ← عجب شیر با یال و کوپالی یا
عجب شیر پرچربی برای شیر خوراکی.

* نکته: در مشترک لفظی از قرینه معینه و در حقیقت و مجاز از قرینه صارفه استفاده می‌شود.
در حقیقت در معنای حقیقی لفظ بر معنا ← صحت حمل حاصل می‌شود.
در حقیقت در معنای مجازی لفظ بر معنا ← صحت سلب حاصل می‌شود.

– حمل اولی ذاتی: مثلاً می‌گویند = انسان را تعریف کن و گوینده
می‌گوید: انسان حیوان ناطق است ← حملی که بر معنای ذاتی‌اش
است. لذا حمل اولی ذاتی اساساً درست نیست.
– حمل شایع صناعی: مفهوم محمول با مفهوم موضوع یکی نبوده و
مغایر است و ما آن را ساخته‌ایم. مثلاً زیاد انسان است.

اقسام حمل

– اطراد مصداقی: اطراد در آن در مورد مصادیق یک کلی است مثلاً
مهدیّ رجل، زیدّ رجل، هادیّ رجل
– اطراد غیر مصداقی: الماء طاهرّ و مطهرّ، الماء رطبّ سیالّ، الماء
لالونّ له و... که در مجموع درمی‌یابیم که این معنا ← همان معنای
حقیقی لفظ است.

اقسام اطراد

استعمال دو علت بیشتر ندارد

– وضع = حقیقت ← استعمال معلول وضع است.
 – قرینه = مجاز ← ممکن نیست چون در معنای مجازی اطراد و شیوع وجود ندارد.

شک در یک لفظ بر دو گونه است

– شک در معنای موضوع له و حقیقی آن لفظ داریم: برای آن به نشانه‌های حقیقت و مجاز (تبادر، صحت سلب، صحت حمل، اطراد، نصوص و اهل لغت) باید مراجعه شود.
 – شک متکلم: برای رفع آن به اصول لفظیه باید مراجعه شود: اصاله الحقیقه، اصاله العموم، اصاله الظهور، اصاله الاطلاق، اصاله عدم تقدیر

اصاله الحقیقه:

اصل آن است که متکلم معنای حقیقی لفظ را اراده کرده است مگر آنکه قرینه‌ای برخلاف آن بی‌آورد و ما به وجود قرینه علم پیدا کنیم. مثلاً وقتی متکلم می‌گوید «اسد» را دیدم شک می‌کنیم حیوان مفترس است یا سرباز شجاع در اینجا اصاله الحقیقه می‌گوید گوینده حیوان مفترس را اراده کرده است.

اصاله العموم:

اصل آنست که متکلم از لفظ معنای عامش را اراده کرده است مگر آنکه دلیل قطعی بر تخصیص خوردنش داشته باشیم.

عموم:

الفاظی هستند که با کمک ادوات عام مفهوم عام را می‌رسانند. ادواتی چون: همه، کل، هر، جمیع و...

مخصص:

– متصل: انتهای جمله می‌آید: آلا، مگر، به جز، به غیر از و...
 – منفصل: در جای دیگری بیان خلاف می‌رسانند.

تفاوت بین لفظ «عام» و لفظ «مطلق» ← لفظ عام: لفظی است که ادوات دارد و به سبب وضع بر عموم دلالت می‌کند مثلاً دلالت العلماء بر عموم عالمان با نشانه‌های الف و لام محلی است.

لفظ مطلق:

لفظی است که با مقدمات حکمت بر عموم دلالت می‌کند. مثلاً دلالت رقبه برای عموم از راه وضع و خود لفظ بدست نیامده است، بلکه متکلم در مقام بیان بوده و برای رقبه قید نیاورده است پس حاکم حکیم قصد اطلاق آن را اراده کرده است.

مقدمات حکمت

- ۱- شارع یا قانونگذار قبل از وضع قانون می‌تواند حکم خود را مطلق یا مقید، عام یا خاص بیان کند.
- ۲- در متن حاضر هیچ قید و شرطی بیان نشده است.
- ۳- قانونگذار یا شارع در مقام بیان حکم بوده و قصد سرگردانی و تحیر ما را نداشته باشد. لذا چون مقنن یا شارع حکیم است اگر نیاز به قید داشت خود می‌آورد.

اصاله الاطلاق:

اصل آنست که لفظ، اطلاق دارد، مگر آنکه دلیل قطعی بر عدم اطلاق یا قید وجود داشته باشد.

در اصاله الاطلاق، مقید شدن باید پشت کلمه یا جمله مطلق بیاید.

مثلاً ← دانشجو باید شهریه بدهد ← دانشجوی غیرممتاز باید شهریه بدهد.

مقید

مطلق

* نکته: دلالت اصاله العموم ← دلالت وضعی است. دلالت اصاله الاطلاق ← دلالت عقلی است.

(همان مقدمات حکمت)

اصاله عدم تقدیر:

مادامی که دلیل قطعی بر مقدر بودن (مخفی بودن ← نهفته در متن) لفظی نداریم اصل آنست که چیزی در تقدیر لفظ نیست. اما اگر دلیل قطعی در تقدیر داشته باشیم از همان دلیل پیروی می‌کنیم و حکم به تقدیر لفظ می‌کنیم.

اصاله الظهور:

- نص: اگر دلالت لفظ بر معنا بصورت قطعی و ۱۰۰٪ باشد و احتمال خلاف در آن نرود ← آن لفظ نص در آن معناست.
- ظاهر: اگر دلالت لفظ بر معنا قطعی نبوده و احتمال خلاف در آن برود ۸۰٪ - ۷۰٪ آن لفظ ← ظاهر در آن معناست.